



لیست آرزوها

سیدامیر سادات موسوی

اگر من نمره هایم بیست می شد
به سرعت آرزوها لیست می شد
تمام لحظه هایم شاد و شنگول
همان چیزی که فعلاً نیست می شد
به دستم داشتم یک توپ فوتبال
تمام کوچه فوتبال لیست می شد
سواری می نمودم با دوچرخه
خیابان زیر پام بیست می شد
همین که سرعتم می رفت بالا
پلیس آن لحظه حرفش «ایست!» می شد
خلاصه وضع عالم بیست می شد
اگر من نمره هایم بیست می شد!

۱۵

بوجان

استند

۱۳۹۱

تصویر گر

محبوبه بابایی



یک معلم نمونه چگونه است؟

و آیا شما از معلم خود راضی هستید؟

عبدالله مقدمی

شده و آقا معلم اصلاً نباید فکر کند که سرکارش گذاشته اند و دارند به او می خندند. بعدش هم وقتی خوب درس داد، هر وقت یکی از بچه های پر دل و جرئت کلاس گفت خسته نباشید، درس را تمام کند و با بچه ها جوک بگوید و بخندد تا روحیه آنها شاد بماند و دچار شکستگی عاطفی نشوند.

● نمره بدهد

معلم ها همیشه از بچه ها می خواهند که توی کلاس درس گوش کنند و توی خانه درس بخوانند تا سر امتحان نمره خوب بگیرند. همه ما می دانیم که آنها البته درست می گویند، ولی باور کنید آقا اجازه! ما مادرمان مریض می شود و مجبوریم که تا صبح بالای سرش بیدار بمانیم و پرستاری کنیم. به پدرمان هم توی مغازه کمک می کنیم و فقط وقتی که بستنی می آید نمی آییم که بستنی بخوریم، همیشه کمک می کنیم! شب ها خسته می شویم و همیشه پای کتاب ها وقتی که خود کار دستان است خوابمان می برد. این همه را برای این گفتیم که می دانیم همه بچه ها بالاخره یک مادر مریض یا خواهر کوچولوی جیغ جیغو یا پدر پیر دارند که به خاطر خوبی کردن نمی توانند درس بخوانند، بعد توی جلسه امتحان هم یک کمی هول می کنند و جواب ها یادشان می رود، حالا چه می شود که معلم های عزیز به خاطر تشکر از زحمات این بچه های خوب و زحمتکش چند نمره ای بهشان ارفاق کنند. به قول بابایمان جای دوری نمی رود که!

به نام خداوندی که شمع را آفرید تا ما بدانیم که معلم عزیزمان را به چه چیزی تشبیه کنیم! و بدانیم که شمع می سوزد و اطرافیان خود را نورانی می کند و یک کمی هم گرم می کند که برای شمع به آن کوچکی کلی حرف است!

ما برای جواب دادن به این سؤال خدای نکرده به قول بابایمان جسارت به حضور اندر حضور! معلم خود نمی کنیم و جرئت آن را نداریم که پیش شما معلم خوب از خودمان چیز در بیاوریم بنویسیم، اما خب به قول روزنامه بابایمان چه می شود کرد، تکلیف است و کاری نمی شود کرد! البته ما از همان اول هم می دانستیم تکلیف را که همان مقش خودمان است نمی شود کاری کرد، ولی گفتیم که شاید اگر از زبان یک آدم کله گنده بنویسیم بهتر باشد.

معلم خوب و نمونه باید:

● مهربان باشد

درست است که از قدیم گفته اند: «چوب معلم گله، هر کی نخوره خله!» ولی باید به قول بابایمان ملتفت! باشید که گفته اند چوب و نگفته اند شلنگ و سیم! تازه آن هم سالی یک بار برای اینکه بچه ها مزه اش یادشان بماند نه بیشتر! معلم خوب نباید به خاطر چهار تا نارنجک زدن و پنج تا نیمکت شکستن خودش را ناراحت کند و بعد تازه ما را هم ناراحت تر کند و مهربانی یادش برود!

● خوب درس بدهد

یعنی اینکه وقتی یکی از بچه ها برای بار پنجم هم نفهمید که آقا معلم چه می گوید ناراحت نشود و قهر نکند. خب شاید آن بیچاره حواسش پرت